مودت اهل بیت محور وحدت مسلمانان

بی آزارشیرازی، عبدالکریم

از زمانی که سفارش چاپ ویژه‏نامه همایش اهل بیت(ع)به دفتر مجله رسید،به فکر انجام مصاحبه‏ای با چند تن از شخصیتهای اسلام‏شناس از هر دو مکتب تشیع و تسنن‏ افتادیم.بنا داشتیم در میزگرد این شماره تنی چند از علمای اهل تسنن نیز حضور داشته باشند و طی نشستی صمیمانه،موضوع مودت اهل بیت(ع)را به بحث و واکاوی‏ بگذاریم.اما بنا به دلیل دوری آنها از مرکز و کمبود وقت چنین نشستی فراهم نیامد.به‏ همین دلیل برای میزگرد این شماره حول موضوع یاد شده،به گفتگو با استاد عبد الکریم‏ بی‏آزار شیرازی اکتفا کردیم و یکی از شاگردان وی دکتر عبد الهادی فقهی‏زاده نیز در این‏ گفتگو ما را همراهی کردند.البته مصاحبه جداگانه‏ای با خانم دکتر معتمدی یکی از پژوهشگران شافعی مذهب انجام داده‏ایم که در دیگر صفحات این شماره از نظر خوانندگان گرامی می‏گذرد.

کیهان فرهنگی:با تشکر از استاد بی‏آزار شیرازی‏ و آقای دکتر فقهی‏زاده که دعوت ما را پذیرفته و وقت عزیز و گرانبهای خود را در اختیار مجله کیهان فرهنگی‏ گذاشته‏اند،به عنوان نخستین پرسش‏ خوب است از زندگی و شرح احوال‏ استاد بی‏آزار مطلع شویم.

حجت الاسلام و المسلمین عبد الکریم بی‏آزار شیرازی:بنده هم سپاسگزاری می‏کنم از شما که چنین فرصتهایی را در اختیار افراد می‏گذارید تا بتوانند دیدگاههای خود را در مورد موضوعات‏ مختلف در اختیار اهل فرهنگ قرار دهند.

بنده در سال 1323 در استان فارس شهر شیراز به دنیا آمده‏ام.خانواده مادری ما از امام جمعه‏های‏ فارس بودند و از زمان فتحعلیشاه قاجار تا 40- 50 سال پیش همچنان در شهر شیراز امام جمعه‏ بودند و به همین مناسبت به خانواده امامی در شیراز معروفند ولی در کتابها و تألیفاتشان عنوان جابری‏ را بر خود دارند و منسوب به جابر بن عبد الله انصاری‏ هستند.

من دوران ابتدایی را در شیراز در مدرسه‏ «صدرا»گذراندم.مسؤولان و معلمان این مدرسه‏ از افراد خوشنام و مذهبی شیراز بودند و مدیر مدرسه(آقای روان شیب)خود فردی متدین و مذهبی به شمار می‏رفت.دوران دبیرستان را نیز در دبیرستان«فرصت»که آن هم مدرسه‏ای کاملا دینی و مذهبی بود،گذراندم.

در همین حین که در فضای مذهبی و خانواده‏ای‏ مذهبی رشد می‏کردم.بشدت تحت تأثیر شخصیتهای برجسته شیراز مثل آیت الله حاج‏ سید نور الدین شیرازی،آیت الله دست‏غیب و آیت الله محلاتی بودم که بویژه آیت الله شیرازی به‏ جهت شخصیت بسیار والایی که داشتند و در آن‏ زمان حزب برادران را اداره می‏کردند،تأثیر زیادی‏ بر شکل‏گیری شخصیت بنده داشتند.

از سوی دیگر در نزدیک محله ما دو عالم بزرگ‏ شیعه زندگی می‏کردند به نام سید حسین علوی و سید جعفر علوی که من دروس مقدماتی را در شیراز همزمان با دوره دبیرستان نزد ایشان فرا گرفتم.به‏ خاطر دارم وقتی کار مدرسه‏ام تمام می‏شد و تعطیل‏ می‏شدم،با ذوق و شوق به مدرسه آقا بابا خان‏ می‏شتافتم و علوم طلبگی را در آنجا می‏آموختم، در حالی که آن زمان هنوز رسما وارد مدرسه علوم‏ دینی نشده بودم.

کیهان فرهنگی:با توجه به اینکه در آن زمان افراد کمی برای تحصیل علوم حوزوی همت‏ می‏کردند،این علاقه در شما چگونه به‏ وجود آمد.

استاد بی‏آزار شیرازی:همان‏طور که فرمودید در آن دوره جاذبه‏ها برای این رشته کم و اندک بود و خیلی‏ها هم مرا نکوهش می‏کردند که چرا دنبال‏ تحصیل در این رشته رفته‏ای؟حتی با این لحن سخن‏ می‏گفتند که شما که می‏توانید دانشگاه بروید چرا می‏خواهی طلبه شوی؟به خاطر دارم حتی برخی‏ با پدرم صحبت کرده بودند که هر طور شده مرا از ادامه این راه باز دارند و با اینکه پدرم خیلی علاقه‏مند به این کار بود،اما روزی ایشان آمدند در مدرسه آقا بابا خان که با مسؤولان مدرسه و خود من مشورتی‏ کنند و به قول معروف حجت را تمام کنند.صحبت‏ آنها تا نزدیکیهای ظهر طول کشید،خیلی مرا \*ما شیعیان بیشتر از دیگران به‏ اهل بیت ظلم کرده‏ایم و با اهل‏ بیت که به تعبیر پیامبر(ص) مشک‏های دلاویز هستند،گلاویز شدیم.به همین دلیل یکباره بیدار شدیم و دیدیم مسیحیان راجع به‏ امام علی(ع)کتاب نوشتند.

نصیحت کردند.هر کس چیزی می‏گفت.پس از چند ساعت خیال کردند مرا قانع کرده‏اند و از من‏ پرسیدند:خوب،حالا تصمیم داری چکاره‏ شوی؟بدون درنگ گفتم:طلبه.یکباره همه زدند زیر خنده و این خنده آنها دل مرا شکست و از اینکه‏ مورد تمسخر واقع شدم،بسیار مکدر گردیدم.اما به هر حال با شوق و ذوق فراوان وارد این عرصه‏ شدم تا اینکه روزی رئیس مدرسه و آقای شیخ علی‏ موحد که دیدند من با اشتیاق به مدرسه می‏آیم، گفتند:تو که اینقدر علاقه‏مند هستی بیا و رسما طلبه‏ شو.به او گفتم:این آرزوی من است اما روزی که‏ در همین مدرسه اعلام کردم می‏خواهم طلبه شوم، همه به من خندیدند.ایشان بسیار ناراحت شدند و حتی دستور به اخراج یکی از مدرسان مدرسه که‏ چنین برخوردی را با من کرده بودند،دادند.

در هر حال ایشان اتاقی به من دادند که قبلا آیت الله مکارم شیرازی در آن زندگی می‏کردند و حقوق و شهریه‏ای را برایم تعیین کردند و من رسما وارد درس طلبگی شدم.و تحصیل در دبیرستان را نیمه تمام رها کرده و بعدا به شکل متفرقه امتحان‏ دادم.

کیهان فرهنگی:به سراغ شغل و حرفه دیگری‏ غیر از طلبگی نرفتید؟

استاد بی‏آزار شیرازی:نه.همیشه طلبه بوده‏ام.

کیهان فرهنگی:استاد،شاید خود این ممانعتها و توصیه‏های بازدارنده،در واقع فیلتری‏ بود که در آن زمان هر کسی نتواند وارد این مسیر طولانی شود و کارکرد گزینشی داشت که افراد ناباب وارد این‏ سلک نشوند.

استاد بی‏آزار شیرازی:واقعا همین طور است.

من به خاطر عشق و علاقه‏ای که به این راه داشتم، به طور تمام وقت روی دروس اسلامی کار می‏کردم‏ و درس بزرگی هم که در این مسیر گرفته‏ام این است‏ که اگر آموختن دروس بدون وقفه انجام شود، خیلی سریع و تصاعدی پیش می‏رود و به عکس اگر وقفه‏ای در تحصیل علوم ایجاد شود،به شکل‏ تصاعدی هم عقب‏گرد می‏شود.به همین دلیل من‏ در شیراز هم درس می‏گرفتم و هم درس می‏آموختم‏ و سعی می‏کردم شاگردان خود را به همین شیوه‏ بدون تأخیر و توقف بپرورانم.حتی من شاگردی‏ داشتم که جمعه‏ها هم مرا رها نمی‏کرد و وقتی روز تعطیل را به دامان طبیعت و برای استراحت می‏رفتم‏ او همواره با من بود و درس می‏گرفت و همین هم‏ موجب شد در مدت یک سال طلبگی را از ابتدا تا لمعتین بیاموزد،در حالی که این دوره به طور طبیعی‏ باید در سه سال طی می‏شد.

کیهان فرهنگی:خواندن دروس معمولا در ماه‏ مبارک رمضان و تابستان تعطیل‏ می‏شود،شما با این تعطیلی چه‏ می‏کردید؟

استاد بی‏آزار شیرازی:استادی داشتم که در ماه‏ مبارک برنامه گذاشته بودند که ما شبها تا سحر درس‏ بخوانیم و حتی از امام صادق حدیثی نقل می‏کردند که از او می‏پرسند آیا عملی بالاتر از اعمال شب‏ قدر هم وجود دارد و امام می‏فرمایند:آری تحصیل‏ علم.

دکتر عبد الهادی فقهی زاده:استاد تحصیلات‏ علوم حوزوی شما در شیراز تا چه مرحله‏ای پیش‏ رفت؟

استاد بی‏آزار شیرازی:من تا پایان لمعتین را در شیراز درس گرفتم و از آن به بعد به قم و پس از چند سال به نجف اشرف مشرف شدم.دروس سطح را در قم و دروس خارج را در نجف گذراندم.

دکتر فقهی‏زاده:ابتدای تحصیلات شما در قم \*چرا ما غیر از مشکلات،مصایب، زندانها و بیماریهای اهل بیت‏ سخن نمی‏گوییم. پس کی می‏خواهیم از کمالات آنها سخن برانیم.

مصادف با درگیریهای سیاسی و تنش‏های زیاد بود. این تحرکات چه تأثیری در حرکت علمی شما بر جای نهاد؟

استاد بی‏آزار شیرازی:بهترین تأثیر این‏ تحرکات سیاسی که همزمان با ورود ما به قم بود، آشنایی من با امام خمینی(رض)و مسائل سیاسی‏ بود.در آن زمان ناظر بسیاری از حرکتهای انقلابی‏ بودم و بشدت تحت تأثیر شخصیت والای امام‏ راحل و روحیه انقلابی ایشان واقع شدم و اثر فوق العاده‏ای بر من گذاشت.

دکتر فقهی زاده:گویا در آن سالیان هم بود که‏ عده‏ای از نخبگان نسل جدید حوزه‏ها به فکر افتادند علوم حوزوی را از آن قالبهای کهن خارج کنند و به شکل جدیدی عرضه نمایند و عده‏ای از جوانان‏ خوش فکر حوزه علمیه به فکر نشر مجلات و آموزش زبان خارجی برآمدند.شما هم در آن‏ بحبوحه در حوزه حضور داشتید.اندکی در این باره‏ صحبت کنید.

استاد بی‏آزار شیرازی:بله در آن دوران که بنده‏ در قم مشرف بودم،چنین حرکتی پدید آمده بود و من پس از ارتحال آیت الله العظمی بروجردی به قم‏ آمدم و در آنجا با اساتیدی مثل آیت الله مکارم‏ شیرازی،آیات عظام سبحانی،صلواتی،اعتمادی‏ و نوری آشنا شدم و خدمت اینها درس می‏خواندم. مثلا درس لمعه را نزد آیت الله صلواتی خواندم، درس اصول را نزد آیت الله اعتمادی،درس رسایل‏ را نزد آیات عظام نوری و سبحانی آموختم و درس‏ اصول عقاید را نزد استاد مکارم شیرازی و درس‏ تفسیر را خدمت آیت الله خزعلی و درس مکاتب را نزد آیت الله منتظری خواندم.

در چنین جوی با کسانی آشنا شدم و حشر و نشر یافتم که تحرک تازه‏ای در قم ایجاد کرده بودند و با راه‏اندازی مجله مکتب اسلام و...با قلم روز مقالات ارزنده‏ای می‏نوشتند و بنده از نظر نگارش‏ خیلی تحت تأثیر کارهای آیت الله مکارم و بعد کسانی که در این مسیر قلم می‏زدند،بودم و در 19 سالگی کتابی نوشتم به نام«جهان دیگر»که با مقدمه‏ آیت الله مکارم چاپ شد و مورد استقبال فراوان قرار گرفت.

دکتر فقهی‏زاده:همان‏گونه که مستحضرید طلبه‏ها قبل از تأهل در مدارس حجره دارند.شما در کدام مدرسه این دوران را گذراندید؟

استاد بی‏آزار شیرازی:من در مدرسه آیت الله‏ بروجردی معروف به مدرسه خان حجره داشتم. در این مدرسه افراد روشنفکر و اهل قلمی وجود داشتند که من با آنها هم اتاق بودم و همنشینی با آنها در من خیلی مؤثر بود.

کیهان فرهنگی:استادانی که بیشترین تأثیر را در نوع پرورش علمی و فرهنگی شما داشتند،چه کسانی بودند؟

استاد بی‏آزار شیرازی:در شیراز که بودم‏ بیشترین کسی که در من تأثیر داشتند،آیت الله حاج‏ سید نور الدین شیرازی بود که من درسهای ایشان‏ راجع به معادشناسی را بعدا به صورت کتابی‏ درآوردم به نام«جهانی دیگر»که منتشر شد.

در قم هم بیشترین تأثیر را از آیت الله مکارم و بعد دیگر اساتید گرفتم و آنگاه که با امام راحل آشنا شدم،اثر فوق العاده‏ای بر من نهادند.به گونه‏ای‏ که وقتی ایشان پس از حصر تهران به قم برگشتند، زیاد می‏رفتم خدمت ایشان و بسیار مشتاق بودم که‏ ببینم ایشان پس از این واقعه چه ایده‏ای دارند.

کیهان فرهنگی:اگر ممکن است خاطره‏ای از دیدارهایتان با امام برایمان بفرمایید؟

استاد بی‏آزار شیرازی:به یاد دارم روزی عده‏ای‏ از طلاب مشهد برای دیدار امام آمده بودند.امام‏ استاد عبد الکریم بی‏آزار شیرازی قرآن پژوه معاصر در سال 1323 ش در شیراز متولد شد.مقدمات حوزه‏های‏ دینی را در همانجا طی کرد و سطوح عالی و دروس خارج را در قم و نجف اشرف،از محضر علمای بزرگ از جمله حضرت‏ امام خمینی(ره)استفاده نمود و تمامی بحثهای مسائل مستحدثه ایشان را به رشته تحریر درآورد.در سال 1353 به‏ دریافت گواهی افتا و اجتهاد از وزارت علوم و آموزش نائل آمد و در سال 1354 رهسپار دانشگاه مک گیل کانادا شد و در انستیتو مطالعات اسلامی به تحصیلات دانشگاهی پرداخت و موفق به اخذ درجه.A.M در تاریخ و تمدن‏ اسلامی شد.

وی از سال 1361 به تدریس در دانشگاههای ایران پرداخت و از سال 1369 به عضویت فرهنگی دانشگاه‏ الزهرا(علیها السلام)درآمد و از سال 1365 به معاونت پژوهشی آن دانشگاه منصوب و از سال 1367 ریاست‏ دانشکده الهیات و ادبیات را به عهده داشت.در سال 1371 موفق به اخذ درجه استادیاری در فقه و حقوق و در سال 1372 موفق به اخذ درجه دکتری در علوم قرآن و حدیث شد.

استاد بی‏آزار شیرازی از آغاز تاسیس مجمع التقریب از سوی مقام معظم رهبری به عضویت شورای عالی این‏ مجمع درآمده و هم‏اکنون نیز از سوی دبیر کل مجمع جهانی تقریب،ریاست این دانشگاه را به عهده دارد.

وی تاکنون بیش از 150 عنوان کتاب به رشته تحریر درآورده که بیشتر آنها چاپ و منتشر شده و در اختیار دانشجویان‏ و اسلام‏پژوهان قرار گرفته است که از جمله آنهاست:

دوره تفسیر کاشف(به فارسی و عربی)،دوره رساله نوین امام خمینی(به فارسی،انگلیسی و اردو)،دوره رساله‏ نوین فقهی پزشکی،دوره قرآن در ادب فارسی،دوره قرآن ناطق،دوره قرآن و طبیعت(به فارسی و عربی و ترکی)،دوره‏ داستان زندگی پیامبر(به زبان فارسی،عربی،اردو،کردی و اسپانیایی)،دوره امام متقین علی(ع)،دوره فاطمه پاره‏ پیامبر،دوره امام حسن(ع)،دوره سبط نبی حسین بن علی،دوره عاشورا در سرزمینها،دوره خدا و اختراعات از دیدگاه علم و قرآن،میثاق در قرآن(به انگلیسی و فارسی)،طلوع و غروب تمدنها،جهان دیگر،گذشته و آینده جهان، همبستگی مذاهب اسلامی،اسلام آیین همبستگی،الوحدة الاسلامیة(به عربی چاپ بیروت)،مشعل اتحاد،توحید کلمه و...

نیم ساعت برای آنها صحبت کردند و من هم در آن‏ جلسه حضور داشتم.امام فرمودند:من دو آرزو دارم.یکی اینکه به زیارت امام رضا(ع)مشرف‏ شوم و دیگر اینکه رساله‏ای بنویسم که همه مسائل‏ روز در آن وجود داشته باشد و جامع همه ابواب‏ فقهی باشد و امام به رساله‏های فارسی استناد می‏کردند که احکامی مثل جهاد،دفاع،امر به‏ معروف و...در آن وجود نداشت.

اتفاقا پس از چند روز اعلام کردند که کلاس‏ درس خصوصی امام در منزلشان دایر خواهد شد و در آن مسائل مستحدثه را تدریس خواهند کرد.

من از ابتدا تا آخرین جلسه این کلاس‏ها حضور یافتیم و تمام صحبت‏های امام درباره موضوعاتی‏ چون بانکها،مسائل پزشکی و حقوقی را یادداشت‏ می‏کردم و برایم خیلی جالب بود که امام اهتمام‏ فراوانی به موضوع‏شناسی و فقه داشتند که در حوزه‏ جای آن خالی بود.

امام هم به بنده مأموریت دادند که درباره‏ اعتبارات بانکی تحقیق کنم و این کار را هم کردم.

به هر حال می‏خواهم بگویم امام در آن فضای‏ نیمه بسته با حاکمیت تفکر سنتی شاگردان خود را وارد عرصه جدیدی می‏کردند و در این زمینه‏ نوآوری‏های فراوانی از خود نشان می‏دادند.یکی‏ از ویژگی‏های درس امام این بود که به هر موضوعی‏ که می‏رسیدند،آن را در حضور شاگردان ویران‏ می‏کردند و دوباره آن را بازسازی می‏نمودند و همواره موضوعی را به شاگردان خود می‏دادند و از آنها می‏خواستند راجع به آن خوب مطالعه کنند و به‏ یاد دارم آیت الله حاج سید مصطفی،پسر ایشان‏ بیشتر از دیگران مطالعات عمیق انجام می‏داد و \*مشکل بزرگ وهابیان‏ مساله توسل است.آنها با پیامبر(ص)و حضرت علی‏ و اهل بیت(ع)مخالف‏ نیستند.اما آنها اشتباهی در معنا و مفهوم توسل دارند.

نقدهای محکمی می‏کرد و در واقع مستشکل‏ درس‏های امام بود و برای طلاب خیلی آموزنده‏ بود.

کیهان فرهنگی:از یادداشتهایی که در کلاسهای‏ درس امام کردید،چگونه استفاده‏ نمودید و آیا آنها را به چاپ سپرده‏اید؟

استاد بی‏آزار شیرازی:من تمام مسائل‏ مستحدثه امام را که یادداشت کردم،همزمان با من‏ فرد دیگری نیز این کار را انجام می‏داد.اما یک روز که ساواک به منزل امام حمله می‏کند،همه‏ یادداشتهای وی را با خود می‏برند.اما خوشبختانه‏ من این سخنان را نوشته بودم.وقتی امام در نجف‏ بودند،از من خواستند دستنوشته‏ها را برای ایشان‏ ببرم.وقتی امام یادداشتها را دیدند در جمع زیادی‏ از علما و طلابی که در حیاط خانه‏اشان بودند مرا مورد تقدیر قرار داده و یکباره بلند شدند و من که آن‏ زمان طلبه‏ای جوان بودم انتظار چنین برخوردی را از ایشان نداشتم.

امام پس از مطالعه یادداشتها یک شهریه تشویقی‏ نیز برای من مقرر کردند و مادامی که من در نجف‏ بودم این شهریه را می‏گرفتم.این یادداشتها را در همان نجف اشرف به عربی برگرداندم و بعدا زمینه‏ای شد برای تدوین رساله نوین که برخی‏ مسائل مستحدثه امام را از روی آن یادداشتها در کتاب آوردم.

دکتر فقهی زاده:در خدمت حضرت امام چه‏ درسهایی را می‏آموختید؟

استاد بی‏آزار شیرازی:درس فقه و اصول را در محضر ایشان می‏خواندم و در ماههای آخری که امام‏ در ایران بودند،توانستم بیشتر از درسهای او بهره‏ بگیرم و پس از 4-5 سالی که در قم بودم به خاطر تبعید امام حوزه تعطیل شد و من عازم شهر ری شده‏ و سپس به نجف عزیمت کردم و جالب اینکه وقتی‏ من به نجف رسیدم مژده رسید که امام از ترکیه به‏ کاظمین آمده‏اند که ما به همراه تنی چند از طلاب به‏ استقبالشان شتافتیم.

کیهان فرهنگی:در سخنان پیشین درباره کتاب‏ «رساله نوین»صحبت کردید.این‏ کتاب چگونه و در چه سالی چاپ شد.

استاد بی‏آزار شیرازی:انگیزه این کار این بود که پس از انقلاب اسلامی بنده متوجه شدم \*دو مساله وجود دارد.یکی‏ مساله وهابیها و دیگری اکثریت‏ مسلمانان که دوستدار و عاشق‏ اهل بیتند که باید این دو را از یکدیگر کاملا متمایز کرد.

گروهکهای ضد انقلاب برای جوانان ما دام‏ گسترده‏اند.چگونه؟آنها جوانهای انقلابی را در زندان و یا جاهای دیگر جمع می‏کردند و برای آنها یکی از ترجمه‏های قرآن و یا رساله را برای آنها می‏خواندند و در جلسه‏ای دیگر می‏خواستند آنها راجع به کتاب صحبت کنند.پس از آن جوانان را سؤال پیچ می‏کردند و می‏گفتند آیا اقتصاد مملکت‏ و حکومت را با این کتابها می‏توان اداره کرد و اینجا بود که جوانان می‏ماندند و جذب کتابهای گروهکها می‏شدند.به همین منظور بنده در صدد برآمدم که‏ رساله‏ای بنویسم که آرزوی امام هم بود و تمام‏ ابواب فقه را در بر گیرد و به پرسش‏های موجود در ذهن جوانان پاسخ دهد.

کیهان فرهنگی:آیا برای این منظور استفتائات‏ جدید را هم می‏گرفتید؟

استاد بی‏آزار شیرازی:از آنجا که من با آرشیو امام در ارتباط بودم تمام استفتائات جدید را می‏گرفتم و به منزل می‏بردم و آنهایی را که مسائل‏ روز بود کپی می‏کردم و در رساله نوین می‏آوردم. خودم هم گمان نمی‏کردم این کتاب تا این اندازه‏ مورد استقبال قرار گیرد.همان سال‏های اول‏ انقلاب در شمارگان یک و نیم میلیون نسخه‏ به فروش رفت و متوجه شدم که این کتاب از یک‏ منبع مراجعاتی به مأخذ مطالعاتی تبدیل شده و بعدا در دانشگاهها هم تدریس شد.

دکتر فقهی‏زاده:گمان می‏کنم این میزان‏ استقبال اتفاقی نبوده است و در واقع شما از آن قالب‏ شکنی‏های امام بهره‏مند شده‏اید و این نشان می‏دهد که برای گسترش علوم اسلامی و آموزش تفسیر قرآنی به ابزارهای جدید نیازمندیم.آیا شما در این‏ مساله و ارائه هنرمندانه و همراه با ذوق خود از کسی‏ وام گرفته‏اید؟

استاد بی‏آزار شیرازی:ببینید قرآن کریم همواره‏ تصریح دارد که وظیفه پیامبران بلاغ مبین،آشکار و شفاف است و در بحث تبلیغ یکی از مسائل مهم‏ مخاطب‏شناسی است.ما باید ببینیم برای چه‏ کسانی سخن می‏گوییم.همان‏گونه که رمز موفقیت امام راحل(ره)هم در سخنرانیهای ساده‏ای‏ بود که می‏کردند و همگان آن را می‏فهمیدند.در حالی که امام کتابهای بسیار عمیقی دارند که بسیاری‏ از دانشمندان هم براحتی آنها را نمی‏فهمند،اما آنچه‏ کارآیی داشت،بیان ساده امام بود.

به همین خاطر فکر می‏کنم یکی از رموز موفقیت«رساله نوین»این بود که مطالب فقهی را با زبان مردم بیان کرده است.

دکتر فقهی زاده:یکی از دوره‏ای مهم زندگی‏ شما تحصیل در دانشگاه مک گیل کاناداست.در مورد این دوره کمی صحبت کنید.چگونه به این‏ دانشگاه رفتید؟

استاد بی‏آزار شیرازی:وقتی در ایران بودم با کتابها و آثاری از مستشرقین آشنا شدم که درباره اهل‏ بیت کار کرده بودند.برای من این سوال مطرح شد که چطور دانشمندان مسیحی در اروپا و آمریکا این‏ چنین به علوم اسلامی اهتمام دارند و با چه انگیزه‏ای‏ علوم اسلامی را دنبال می‏کنند و اصلا چرا خود مسلمان نمی‏شوند.به همین دلیل خیلی برایم‏ جالب بود که در این باره مطالعاتی داشته باشم. موضوع را با مرحوم دکتر بهشتی که در سازمان‏ کتابهای درسی با وی همکاری داشتم در میان‏ گذاشتم.ایشان فرمودند در بیشتر دانشگاههای‏ بزرگ دنیا رشته اسلام شناسی و حتی شیعه شناسی‏ وجود دارد.با شنیدن این سخن جاذبه بیشتری پیدا دکتر عبد الهادی فقهی‏زاده متولد 1347 در شهرستان اهواز است.او دوران کودکی و نوجوانی خود را در بهبهان و در خانواده‏ای روحانی سپری کرد و پس از آن در سال 1365 وارد دانشگاه تهران شد و تحصیل‏ در رشته علوم قرآن و حدیث را پی گرفت.

وی دوره کارشناسی ارشد خود را در این رشته در سال 69 در دانشگاه تربیت مدرس گذراند و در سال‏ 1370 تدریس دانشجویان مقطع کارشناسی رشته الهیات دانشگاه تهران را به عهده گرفت و در سال‏ 1375 عضو هیات علمی گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران شد و دوره دکتری خود را نیز در دانشگاه‏ تربیت مدرس گذراند.

دکتر فقهی‏زاده تالیف و ترجمه کتب پژوهشی چندی را در کارنامه خود دارد که از جمله آنها به کتابهای‏ «پژوهشی در نظم قرآن»(1374-نشر دانشگاهی)،«درآمدی بر علم رجال»(1376-امیر کبیر)،«وحدت‏ اسلامی از دیدگاه قرآن و سنت»(1377-تبیان)،«نقش و جایگاه زن در حقوق اسلامی»(1378-تبیان) می‏توان اشاره کرد.

وی هم‏اکنون عهده‏دار مسؤولیت معاون پژوهشی دانشکده علوم حدیث است.

کردم در این باره تحقیق کنم و اظهار علاقه کردم که‏ بروم در یکی از این دانشگاهها درس بخوانم.ایشان‏ هم مرا راهنمایی کردند و توسط اساتیدی که با آنها در ارتباط بودند مرا به دانشگاه مک گیل معرفی‏ کردند.

برای آگاهی خوانندگان هم عرض می‏کنم‏ دانشگاه مک گیل یکی از چهارده دانشگاه مهم‏ دنیاست که در رشته علوم طب و اسلام‏شناسی‏ فعالیت می‏کند.پس از اینکه از این دانشگاه پذیرش‏ گرفتم،مدتی کوتاه برای فراگیری زبان انگلیسی‏ رهسپار جنوب انگلستان شدم و بعد از آن به مک‏ گیل رفتم.در واقع در این دانشگاه هم بود که با شخصیتهای بزرگی آشنا شدم که پس از تحقیق و پژوهش مسلمان شده بودند و حتی کسانی که تحت‏ تاثیر اسلام بودند،اما مسلمان نبودند.

کیهان فرهنگی:بالاخره برای سوال از اینکه چرا اسلام شناسان و مشتشرقان مسلمان‏ نمی‏شوند،پاسخی یافتید؟

استاد بی‏آزار شیرازی:به قول دکتر بهشتی‏ اسلام و مسلمانی دو چیز جدای از هم هستند. بسیاری اسلام و قرآن را که می‏بینند جذب می‏شوند و اعمال برخی مسلمانها را که می‏بینند دفع‏ می‏شوند.شاید به همین دلیل بعد از وقوع انقلاب‏ اسلامی ایران بر تعداد دانشمندانی که با تحقیق‏ مسلمان شده‏اند،افزوده شده است.

دکتر فقهی‏زاده:در تایید فرمایشات جناب‏ عالی به یاد یک سخن از سید قطب افتادم که از او سوال می‏کنند چگونه است قرآنی که در صدر اسلام‏ دنیا را متحول کرد،اکنون دیگر کارآیی ندارد.سید می‏فرمایند:(نقل به مضمون)«برای مسلمان شدن‏ دردمندانه سراغ قرآن رفتن،پرسشگرانه با آن مواجه‏ شدن و از قرآن جواب را شنیدن لازم است». مسلمانان آن روز دردمندانه به سراغ اسلام می‏رفتند اما نگاه اکنون ما نگاه خشک علمی است.

استاد بی‏آزار شیرازی:همین‏طور است.من‏ در دانشگاه مک گیل با کسانی آشنا شدم که با اشتیاق‏ فراوان بیش از آنچه ما تصورش را می‏کنیم،کتابهای‏ اسلامی را جمع‏آوری می‏کردند و آن‏چنان به فهم‏ \*امام رضا(ع)فرمودند:«مراقب‏ باشید فضایل و مناقب ما را از مخالفان ما نشنوید»و حال که‏ نگاه می‏کنیم درمی‏یابیم که بله‏ عده‏ای حدیث‏ساز آمدند خود را طرفدار شیعه قلمداد کرده‏اند و به نام ذکر فضایل و مناقب اهل‏ بیت چیزهایی نوشته‏اند که ائمه‏ را خراب کنند.

آن اهتمام می‏ورزیدند که برای خود ما به عنوان‏ مسلمان عجیب می‏آمد.موسساتی در کشورهای‏ مختلف وجود دارد که هر کتاب جدیدی که چاپ‏ می‏شود و حتی کتابهایی که از خانه‏ها به کنار خیابانها به فروش می‏روند،را خریداری می‏کنند و با ورود هر کتاب به مجموعه خود واقعا جشن‏ می‏گیرند.حال چرا چنین می‏کنند.دلایلی‏ مختلفی وجود دارد.برخی می‏خواهند فرهنگ‏ خودشان را با فرهنگ غنی اسلام توسعه دهند، همان‏گونه که ما از میراث یونان استفاده کرده‏ایم.

البته عده‏ای هم سیاست‏باز هستند که‏ می‏خواهند از این طریق در میان مسلمانان نفوذ کنند و تفرقه بیفکنند و یا در میان آنها فرقه سازی کنند. برخی دیگر هم برای ارضای پرسشگری خود می‏آیند.

کسانی هم بودند که تاریخ اسلام را تحریف شده‏ نوشتند و بقدری در میان مردم اروپا بدبینی ایجاد کردند که جنگهای صلیبی را به راه انداختند.تا اینکه‏ تنی چند از دانشمندان اروپایی آمدند و با مطالعه‏ آثار تمدن اسلامی در کشورهایی چون اسپانیا متوجه‏ شدند این آثار نمی‏تواند ناشی از اسلام تحریف شده‏ باشد و پس از تحقیق خود مسلمان شدند و دریافتند آنچه مسلمانها از اسلام برداشت کرده‏اند با آنچه آنها گرفته‏اند،بسیار متفاوت است و با مشاهده عظمت‏ قرآن و تحت تأثیر ترجمه‏های غیر مغرضانه اسلام‏ آوردند و خود قرآن را ترجمه کردند.

دکتر فقهی‏زاده:استاد گرایش تحصیلی شما در دانشگاه مک گیل تاریخ تمدن اسلامی بوده است. چه شد که این رشته را انتخاب کردید و چه اهتمامی‏ به این گرایش داشته‏اید؟

استاد بی‏آزار شیرازی:در دانشگاه مک گیل‏ بیشترین اهتمام به تاریخ تمدن اسلامی است و این‏ رشته برای آنها جاذبه بسیار دارد.دانشجویانی که‏ وارد این دانشگاه می‏شوند،ابتدا دو واحد برای‏ آشنایی با علوم مختلف اسلامی می‏گذرانند و پس‏ از آن دانشجو مطابق ذوق و سلیقه خود رشته‏ تحصیلی خود را انتخاب می‏کند.دو واحد هم‏ آشنایی با کتابخانه دارند و با گذراندن دو واحد دیگر روش تحقیق را می‏آموزند.آنها به اسلام به عنوان‏ یک پدیده تاریخی می‏نگرند و مطالعات آنها بیشتر جنبه تاریخی دارد.بر خلاف ما که اسلام برایمان‏ حال است نه گذشته.من دوست داشتم تحصیلاتم‏ را در موضوعی قرار دهم که بیشترین پرسش‏ آنهاست.بزرگترین اشکالی که مستشرقین بر قرآن‏ می‏گیرند این است که معتقدند مطالب قرآن از هم‏ گسسته است و اصحاب پیامبر به طور اتفاقی آنها را کنار هم چیده‏اند.

\*نباید همه را با یک چوب‏ برانیم.باید فرق بگذاریم بین‏ سنی ناصبی طرفدار یزید با کسانی که موافق اهل بیتند. باید تعبیر خوبی از سنی و شیعه‏ ارائه دهیم و در الفاظ خود تجدید نظر کنیم.

کیهان فرهنگی:یکی از ویژگیهای کتاب«میثاق‏ قرآن»شما این است که به این مسأله‏ پرداخته‏اید.مستشرقان اظهار می‏کنند یک وحدت جامع در قرآن ناممکن‏ است.در دوره پیامبر هم این مسأله‏ وجود داشته است و می‏پرسند چرا قرآن‏ یک جا مدون نشده است.شما در این‏ کتاب یک تناوب و تناسب واحد را در کل سوره‏ها نشان داده‏اید.

استاد بی‏آزار شیرازی؛قرآن کریم طی چندین‏ سال و به تدریج بر پیامبر نازل شده،برخی تصور می‏کردند که آیات آن ربطی به یکدیگر ندارند و از هم گسسته‏اند.از سوی دیگر وقتی به سوره‏های‏ مختلف نگاه می‏کنند،درمی‏یابند که هر سوره‏ در موضوعی پراکنده سخن گفته است و این باور در آنها بیشتر شده که آیات قرآنی تصادفی در کنار هم جمع شده‏اند،در حالی که وقتی به تاریخ قرآن‏ مراجعه می‏کنیم می‏بینیم بر اساس روایات متقن، پیامبر هرگاه دسته‏ای از آیات قرآنی نازل می‏شد، دستور می‏دادند که آن آیه در کدام سوره قرار گیرد. افزون بر اینکه در برخی سوره‏ها که یکباره بر پیامبر هم نازل شده مثل سوره انعام این پراکندگی‏ موضوعات به چشم می‏خورد و حتی گاهی در یک‏ آیه هم به ظاهر پراکندگی موضوع وجود دارد، در حالی که یک آیه در مواقع مختلف نازل نشده‏ است.

بنابراین اگر به این موضوع قائل شویم که قرآن‏ مجموعه‏ای پراکنده و آشفته است،دیگر با فصاحت و بلاغت آن جور درنمی‏آید.وقتی قرآن‏ می‏تواند بلیغ باشد که اجزای آن با هم ارتباط داشته‏ باشند.بنده هم با توجه به این اشکال مستشرقین‏ برانگیخته شدم پیرامون تاریخ تمدن تحصیل کنم.

برای این منظور مدتی در کتابخانه کتابهای‏ مقدس رفتم و آنها را مطالعه کردم.پس از مطالعه‏ متوجه شدم محور موضوعات آیات مقدس کلمه‏ «عهد»است و به همین دلیل هم تورات عهد قدیم‏ و انجیل را عهد جدید می‏گویند و سید قطب هم‏ قرآن را عهد اخیر خوانده‏اند.

مدتی روی این کلید واژه کار کردم و دریافتم‏ یکی از محورهای جالب قرآن کریم همین کلمه عهد و میثاق است و در کتاب«تفسیر کاشف»به تفصیل‏ آن پرداختم و هر سوره‏ای را حول محور خودش‏ بررسی کردم و نشان دادم آیات قرآن چقدر با یکدیگر در ارتباطند.

دکتر فقهی‏زاده:استاد،پس از جلد هفتم کتاب‏ «تفسیر کاشف»مدتی است مجلد دیگری منتشر نشده،چرا؟

استاد بی‏آزار شیرازی:این کار ادامه دارد اما متأسفانه مشکلات چاپ روند آن را کند کرده است‏ که امیدواریم با رفع این مشکلات بتوانیم جلدهای‏ دیگر آن را به علاقه‏مندان عرضه کنیم.

کیهان فرهنگی:گفتگو از مودت اهل بیت به‏ عنوان یک اصل مسلم در میان فرقه‏ اسلامی مطرح است.با توجه به اینکه‏ دغدغه جناب عالی نیز همین مسأله‏ است،اهمیت آن را در حال حاضر در چه می‏بینید؟

استاد بی‏آزار شیرازی:من از همان اوایل‏ طلبگی علاقه‏مند مطالعه این موضوع بودم.و حتی‏ موقعی که در نجف بودم،برنامه‏ای بود که هر سال‏ عده‏ای از طلاب ماه مبارک را به سامرا می‏رفتند و با طلاب اهل سنت گفتگو می‏کردند و من هم با جمعی که زیر نظر آیت الله لنکرانی یکی از علمای‏ بزرگ نجف بود،در این جلسات شرکت می‏کردم.

یکی از چیزهایی که همواره مرا رنج می‏داد، غربت اهل بیت در میان شیعه‏هاست و به قول استاد شهید مطهری ما شیعیان بیشتر از دیگران به اهل بیت‏ ظلم کرده‏ایم و با اهل بیت که به تعبیر پیامبر(ص) مشک‏های دلاویز هستند،گلاویز شدیم.به همین‏ دلیل یکباره بیدار شدیم و دیدیم مسیحیان راجع به‏ امام علی(ع)کتاب نوشتند.

چرا در فرهنگ ما علی را موجودی خانه‏نشین‏ و منزوی،امام حسن را محافظه کار،امام حسین‏ را فقط امام یک روز عاشورا،امام زین العابدین را همیشه بیمار و...معرفی کرده‏اند.این ظلم به‏ اهل بیت نیست؟!من وقتی در نجف بودم شبها به‏ زیارت قبر حضرت امیر می‏رفتم و افسوس‏ می‏خوردم که چرا چند تا از سخنان امام را اینجا ننوشته‏اند.به همین دلیل هم وقتی برای زیارت او می‏رفتم،نهج البلاغه را با خود می‏بردم و در جوار حرمش می‏نشستم و آن را تلاوت می‏کردم و واقعا لذت می‏بردم.

چرا ما غیر از مشکلات،مصایب،زندانها و بیماریهای اهل بیت سخن نمی‏گوییم.

پس کی می‏خواهیم از کمالات آنها سخن‏ برانیم.از خود امام رضا(ع)روایت می‏کنند که‏ فرموده‏اند:مراقب باشید فضایل و مناقب ما را از مخالفان ما نشنوید.و حال که نگاه می‏کنیم‏ درمی‏یابیم که بله عده‏ای حدیث‏ساز آمدند خود را طرفدار شیعه قلمداد کرده‏اند و به نام ذکر فضایل و مناقب اهل بیت چیزهایی نوشته‏اند که ائمه را خراب‏ کنند.

امام رضا(ع)در سخنان خود فرموده است: مخالفان ما سه دسته روایت جعل می‏کنند.1- روایاتی که درباره ما غلو می‏کنند،برای اینکه ما را به شرکت و کفر نسبت دهند.2-روایاتی که نسبت‏ تغصیر به ما می‏دهند برای اینکه خلافت و امامت را از ما بگیرند و 3-روایاتی را جعل می‏کنند که از زبان ما به دیگران سب و لعن می‏کنند تا مسلمانها را وادارند نسبت به ما فحاشی کنند.

این یکی از انگیزه‏هایی بود که بنده به مساله‏ تقریب و مطالعه آن علاقه‏مند شدم و با مرکز دار التقریب مصر ارتباط برقرار نمودم.چندین‏ کتاب را زیر نظر دبیر کل دار التقریب مصر ترجمه‏ کردم با عنوان«همبستگی مذاهب اسلامی».

کیهان فرهنگی:موضوع مودت اهل بیت چون‏ در قرآن هم آمده از ضروریات اسلام‏ است.و به نظر می‏رسد شیعیان‏ نمی‏دانند اهل سنت هم به مودت اهل‏ بیت قائل هستند.چه خوب است برای‏ تحکیم وحدت این دیدگاه تصحیح‏ شود.البته یکی از دلایل این است که‏ اکثر شیعیان تنها جایی که با اهل سنت‏ مواجه می‏شوند،سفر حج است و ممانعت وهابیان از آداب شیعه، موجب گسترش این دیدگاه به همه‏ برادران اهل سنت می‏شود.

استاد بی‏آزار شیرازی:بله این حقیقتی است. در اینجا دو مساله وجود دارد.یکی مساله وهابیها و دیگری اکثریت مسلمانان که دوستدار و عاشق‏ اهل بیتند که باید این دو را از یکدیگر کاملا متمایز کرد.

اهل سنت در مواردی از شیعه بیشتر اهل بیت‏ را دوست دارند.مقاله‏ای را در مجله‏ای خواندم‏ تحت عنوان«اصول سنت و جماعت»از دکتر فوزان فوزان که 10 اصل را در این مقاله برای‏ وهابیان اهل سنت و جماعت ذکر کرده و جالب این‏ است که در اصل هفتم محبت اهل بیت را برشمرده‏ است.

بنده پس از مطالعات زیاد متوجه شدم مشکل‏ بزرگ وهابیان مساله توسل است.آنها با پیامبر (ص)و حضرت علی و اهل بیت(ع)مخالف‏ نیستند.

اما آنها اشتباهی در معنا و مفهوم توسل دارند. ما وقتی می‏گوییم توسل یعنی کسی را وسیله قرار دادن و زمانی که می‏گوییم توسل می‏جوییم به پیامبر (ص)،آنها خیال می‏کنند تقرب می‏جوییم به پیامبر به جای خدا و این را شرک می‏کنند.روی همین‏ جهت اولین مشکل بر سر فهم لفظ است.

مساله دیگر اینکه حتی خود وهابیان بسیاری از انواع توسل را قبول دارند.توسل به پیامبر در زمان‏ حیات و در زمان بعد از عالم برزخ را هم قبول‏ دارند.آنچه بر ایشان مبهم است مساله توسل در عالم برزخ است.یعنی پس از رحلت پیامبر تا روز قیامت.این مساله به صور مختلف وجود دارد که‏ آیا ما می‏خواهیم پیامبر دعا کنند ما را به خاطر محبتی‏ که به او داریم و به وسیله عمل به دستورات او می‏خواهیم شفاعت ما را بکنند.می‏گویند اگر به‏ خاطر عمل باشد اشکالی ندارد و اگر هم به خاطر محبت به پیامبر و اهل بیت باشد اشکالی ندارد.اما توسل به ذات پیامبر شرک است و جالب اینکه شیعه‏ هم این را قبول ندارند.در هیچ کدام از ادعیه ما هم‏ توسل به پیامبر به این معنا وجود ندارد،بلکه توسل‏ به خداست.و دعاهای شیعه خالص‏ترین ادعیه در توحید است.

از سوی دیگر ما در آداب زیارت اهل سنت‏ (مذاهب اربعه)می‏بینیم که آمده است:وقتی‏ می‏روید سر قبر پیامبر،در همان‏جا شفاعت‏ بخواهید و در تمام زیارتنامه‏های مذاهب اربعه این‏ آیه قرآن کریم از قول خداوند متعال نقل شده که اگر مسلمانان گنهکار بیایند پیش تو و از خدا طلب‏ مغفرت کنند و تو هم بر ایشان طلب مغفرت کنی ما از آنها می‏پذیریم».

جالب اینکه عین همین مسأله در کتب اربعه ما نیز آمده،با این تفاوت که نوشته شده وقتی سر قبر پیامبر آمدید،سلام کنید و اگر حاجتی داشتید رو به‏ قبله شوید و از خدا بخواهید و بگوییم«اللهم».

\*کتاب بزرگ«الغدیر»علامه‏ امینی همه احادیثش در فضایل‏ اهل بیت از کتب اهل سنت اخذ شده است.

کیهان فرهنگی:پس با وجود این وجوه اشتراک‏ خوب است توضیح داده شود که این‏ اختلافات از کجا ناشی شده است؟

استاد بی‏آزار شیرازی:به اعتقاد من برداشتهای‏ غلط در هر دو فرقه موجب تشدید اختلافات شده‏ است.خود بنده هم تصورم این بود که در مدینه و مکه همه وهابی‏اند.اما در یک سفر عمره موفق‏ شدم در مجالس و محافل فراوان اهل تسنن شرکت‏ کنم و آنجا بود که دیدم اهل تسنن همه ضد وهابی‏اند و مرتب به پیامبر و اهل بیت ما توسل می‏کنند.

شاید بد نباشد برایتان خاطره‏ای تعریف کنم. در مدینه با فردی آشنا شدم اهل تسنن و ما را به‏ خانه‏اش دعوت کرد.تمام طول مسیری که به منزل‏ وی می‏رفتیم می‏گفت:این راه به وادی فاطمه‏ مشهور است.چون اهل تسنن بر این باورند که‏ حضرت فاطمه(س)از این راه عبور کرده‏اند و جالب اینکه تمام کسانی که در این وادی هستند همه‏ از ساداتند.از او پرسیدم طول این وادی چقدر است،پاسخ داد:تا 200 کیلومتر به همین نام وادی‏ فاطمه خوانده می‏شود.

مسأله دیگر این که در تمام کشورهای اسلامی‏ حدود 80 درصد مسلمانان اهل طریقتند.یعنی‏ در مسائل اخلاقی برنامه‏ای خاص دارند و البته‏ طریقت منهای شریعت ندارند و جالب اینکه تمام‏ رؤسای طریقت از ساداتند.

کیهان فرهنگی:صوفیه در بین شیعه دور افتاده‏تر از حقیقت است،اما در نزد اهل تسنن‏ نزدیکتر به حقیقتند.

استاد بی‏آزار شیرازی:دلیلش این است که‏ صوفیه در بین ما دور از شریعت است در صورتی که‏ در آنجا به عکس است.کسانی هستند که‏ بی‏تکلف‏تر و بی‏ریاترند و عمل به شریعت می‏کنند، اما مکتب اخلاقی هستند و یک نوع سیر و سلوک را از ائمه می‏گیرند و در واقع اکثریت مسلمانان دنیا اهل‏ طریقت و شریعت هستند با محوریت اهل بیت. منتها نباید تمام اینها را در ردیف مخالفان اهل بیت‏ قلمداد کنیم و این به دلیل نامگذاری غلطی است که‏ با برای این دسته از مسلمانان کرده‏ایم.شیعه و سنی.این نامگذاری در اثر بی‏اطلاعی انجام شده‏ است.

در میان اهل سنت هم همین‏طور است.آنها به‏ شیعیان غالی یا رافضی می‏گویند که از نظر ما همه‏ آنها مطرودند اما متأسفانه برخی اهل سنت این کلمه‏ را به کل شیعه تعمیم داده‏اند.

به هر حال بیشترین احادیث را در فضایل اهل‏ بیت در میان کتب اهل سنت می‏یابیم و حتی کتاب‏ بزرگ«الغدیر»علامه امینی همه احادیثش در فضایل‏ اهل بیت از کتب اهل سنت اخذ شده است.

دکتر فقهی‏زاده:اخیرا هم کتابی منتشر شده به‏ نام مسند علی ابن ابیطالب«که بسیار شگفت‏آور است‏ و می‏توانیم نتیجه بگیریم که این حقیقت در جهان‏ اسلام خودش را نشان داده که هیچ مسلمانی نیست‏ که محبت اهل بیت را در دل نداشته باشد.

استاد بی‏آزار شیرازی:بله در جلد اول تفسیر کبیر فخر رازی آمده است که:ما هر چه را فراموش‏ کنیم،این را فراموش نمی‏کنیم که قول علی(ع) بر قول صحابه دیگر اولویت دارد،چرا که پیامبر فرموده‏اند:علی مع الحق و حق مع العلی.

روایت است که به شاگرد امام صادق(ع) می‏گویند:شیعه را توصیف کن.می‏فرماید:شیعه‏ یعنی کسانی که قول علی را مقدم بر دیگران می‏دانند و اگر در بین روایات امام علی اختلاف شود،قولی‏ که به امام جعفر صادق نزدیک است ترجیح داده‏ می‏شود.

به هر حال می‏خواهم بگویم به تعبیر امام راحل‏ (ره)نباید همه را با یک چوب برانیم.باید فرق‏ بگذاریم بین سنی ناصبی طرفدار یزید با کسانی که‏ موافق اهل بیتند.همان‏طور که اهل سنت نیز نباید شیعیان را با غالیان مطرود شیعه یکی بشمارند.باید تعبیر خوبی از سنی و شیعه ارائه دهیم و در الفاظ خود تجدید نظر کنیم.ما متأسفانه بسیاری از دوستان را در ردیف دشمنان قلمداد کرده‏ایم.

کیهان فرهنگی:سپاسگزاریم از وقتی که‏ در اختیار ما گذاشتید و با امید به اینکه‏ هر روز شاهد وحدت کلمه بیشتری‏ در میان مسلمانان باشیم.